

طحان نظیف:

### اگر «امنیت، سلامت و رقابت» محقق شود، مشارکت هم تأمین می‌شود

سخنگوی شورای نگهبان گفت: اگر سه راهبرد امنیت، سلامت و رقابت از سوی نهاده‌ها، دستگاه‌ها و گروه‌های سیاسی و... محقق شود، راهبرد «مشارکت» نیز تأمین خواهد شد.

صفحه ۳

### سرمقاله

### آزادی «دوفاکتوی» غیر حکومتی



کیومرث اشترانی

لیبرالیسم «دوفاکتوی» غیر حکومتی پدیده‌ای جدید در عصر انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات است؛ یعنی به جای آنکه حکومت‌ها لیبرال شوند، جوامع چنین می‌شوند. در مناسبات قدرت، گونه‌ای از لیبرالیسم اجتماعی پدیدار شده است که حکومت‌ها را از گذار آن گریزی نیست. البته هنوز در سیاست رسمی و در گردش نخبان در برابر این گذار قدرت پای به پایداری و مقاومت می‌فروشند و بیهوده رنج مضاعف می‌کنند.
دیگرایی است که در نوشته‌های حقوق اساسی و در تقسیم‌بندی حکومت‌ها، رژیم‌های سیاسی را با نام‌ها و ویژگی‌هایی مانند مطلقه، آریستوکراسی، پارلمانی، جمهوری و... توصیف می‌کنند؛ اما امروزه قدرت دگرگون شده است، سرچشمه‌ها و ابزارهای کاربست قدرت بسیار گوناگون شده و دست دولت‌ها از دسترسی به آن تهی شده است. از چشم‌اندازی اجتماعی، تهدیدستی دولت‌ها از قدرت عمومی نمایان شده است. از رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی تا مناسبات علمی بین‌المللی و مبادلات مالی رمزنگاری‌شده دیجیتال همه و همه نمادهایی از این وضعیت دگرگون‌شده هستند. برای نمونه، جالب است بدانید حجم مبادلات رمززارها در صرافی‌های ارز دیجیتال در ایران حدود سه هزار میلیارد تومان است؛ یعنی نزدیک به ارزش مبادلات روزانه بورسی در کشور! و این یعنی بخش مهمی از مبادلات مالی (بخوانید قدرت مالی) خارج از حیطه نظارت دولت است. حجم ارتباطات سیاسی و تبادل نظرها و افکار سیاسی در فضای مجازی با تولید فرهنگ سیاسی رسمی قابل مقایسه نیست. دستگاه قضائی از رسانه‌های اجتماعی و بخش مدنی، به درجائی تأثیرپذیر شده است و در صدور احکام برای متهمان سیاسی احتیاط بیشتری می‌کند. اینها نمونه‌هایی از لیبرالیسم «دوفاکتوی» اجتماعی است؛ یعنی امری محقق و عملیاتی‌شده. قدرت سیاسی از سر به پای رفته است و به واژگون، قدرت اجتماعی در پایین پا، سر شوکت خویش نمایان کرده است. شماری از «جرائم فرهنگی» در سایه‌سار تساهل مدنی، امروزه دیگر به هیچ انگاشته می‌شود و حکومت‌ها چشم اغماض بر نهاد مجازاتی می‌پوشند. روزنامه‌ها مطالبی می‌نویسند و موضوعاتی را پوشش می‌دهند که تا ۳۰ سال پیش از این در خواب آمال و رؤیای آرزو نمی‌دیدند. فضایی به وجود آمده است که به ما اجازه می‌دهد که به‌تدریج و البته بسیار کند، در حال اصلاح فهم تاریخی خود از یکدیگر هستیم. جوامع برای یک شبهه‌سیستم (quasi system) لیبرال اجتماعی آمادگی دارند. در عصر گسترش اطلاعات و ارتباطات، جوامعی که از یک طبقه متوسط تحصیل‌کرده برخودارند، بیش از دیگر جوامع ظرفیت پذیرش چنین سیستمی را دارند. بخش اعظمی از تولید دانش، نظریه و کنش دینی، مالیات، احکام قضائی، رسانه‌های اجتماعی، قیمت‌گذاری کالا و خدمات، اجرای سیاست فرهنگی (حجاب)، انتخابات (رای‌ندادن، رای باطله یا رای مخالف به کاندیدای حکومت) و... در بخش مدنی یا تحت تأثیر جامعه مدنی پدیدار می‌شود. اینها همگی قدرت مدنی‌اند و نه قدرت سیاسی رسمی. در جهان امروز به نوع جدیدی از دموکراسی اجتماعی-توده‌ای سروکار داریم که با سنت «دموکراسی‌های توده‌ای-سوسیالیستی» از نظر سرچشمه قدرت و گوناگونی هیبت متفاوت است. «قدرت»، از گشت تاریخی خویش بازگشته، در جای‌جای گیتی چندین صُور نموده و اینک با چهره‌ای تکیده به تماشای «انقراض اجتماعی» خویش نشسته است. همه‌جایی که به آقای احمد زیندآبادی در پی سخنانش درباره وضعیت روزنامه‌ها در ایران صورت گرفت، از این منظر و از جنبه رفتارشناسی سیاسی درخور توجه است. اولاً، نشان می‌دهد که برخی از اهل رسانه در خارج از ایران در درک شرایط جدید جهانی و وضعیت ایران دچار خطا هستند. ثانیاً، برای دیگرگونه اندیشیدن در چارچوب ذهنی خویش جایی برای دیگران قائل نیستند. این یک دستورود منفی برای اپوزیسیون سکولار ایرانی است که می‌انگارد باید همه مانند آنان فکر و قضاوت کنند. در خاورمیانه، خطری که از جبهه سکولاریسم برای آزادی وجود داشته و دارد، کمتر از بنیادگرایی افراطی نبوده و نیست. اساساً در خاورمیانه، سکولاریسم سابقه‌پردازی در استبداد داشته است. کدام‌یک از جمهوری‌های مادام‌العمر در منطقه خاورمیانه دینی بوده‌اند؟ حزب بعث سوریه و عراق؟ رژیم‌های پادشاهی؟ رژیم‌های امنیتی مادام‌العمر همسایه؟... با همه نقدها و اعتراضات جدی که به خود داریم در هیچ‌یک از این کشورها ججم اعتراض‌ها و انتقاده‌ها به اساس حکومت در رسانه‌های اجتماعی و حتی در روزنامه‌ها قابل مقایسه با ایران نیست. هوشیار باشیم که ظرفیت سکولاریسم برای استبداد بسیار بالاست؛ اما در مقابل ظرفیت مدنی دین برای دموکراسی و تساهل سیاسی بالاست. اصلاح‌طلبی دینی در ایران یک نمونه است که با وجود همه‌های دوسویه خارج و داخل هنوز هم از ظرفیت بالایی برای آزادی‌خواهی و آزادی‌طلبی برخوردار است. روایت واقعیت درونی از ایران آغشته اغراق است و آن چیزی نیست که از اغلب نویسندگان ایرانی رسانه‌های خارجی یا از رسانه ملی بازتاب می‌یابد. این، برای ایرانیانی که قلم می‌زنند، بیشتر ناشی از رنج دوری از وطن و اغلب ظلم‌هایی است که در حق آنان روا داشته‌ایم؛ اما نکته مهمی که می‌خواهم بر آن پافشاری کنم، این است که اغراق درباره وضعیت موجود در ایران، انسان را به رفتارهای دیکتاتورمآبانه می‌کشاند.

ادامه در صفحه ۵



یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲ • ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۱ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۶۰ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

### «شرق» بررسی کرد؛ معادلات نوار مرزی ایران و ارمنستان به کجا می‌رسد؟

# بازی در زنگه‌زور

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید

### درخواست مجلس از مجمع تشخیص درباره طرح شفافیت قوای سه‌گانه

# شعاری که دردسر شد

♦ عکس: علی احمدوند، آنا

در جوامع جهان سبوم به یک رویه تبدیل شده است که به شعارهای خود عمل نکنند؛ به همین دلیل در مجلسی که با وعده شفافیت و حتی با وعده کتبی شفافیت روی کار آمد، غیرشفاف‌ترین تصمیمات گرفته شد». مجلس یازدهم ابتدا با طرح شفافیت آرای نمایندگان «که خود داعیه‌دار آن بود» مخالفت کرد و اولین شکست اصولگرایان در تحقق وعده‌های انتخاباتی آنها رقم خورد اما بعد از مدتی طرح به شفافیت قوای سه‌گانه تغییر شکل یافت تا اگر شفافیت خوب است برای همه قوا الزام‌آور شود با این حال موضوع به این مرحله ختم نشد و بعد از کش‌وقوس‌های فراوان طرح به جای تبدیل‌شدن به قانون، سر از مجمع تشخیص مصلحت درآورد. وقتی هفته‌ها خبری از تعیین تکلیف شفافیت قوای سه‌گانه در مجمع تشخیص مصلحت نبود، یکباره خبر رد آن، آن‌هم به دلیل درخواست رئیسی و عدم تمایل دولت برای تن‌دادن به شفافیت منتشر شد. خبری که با واکنش منفی بسیاری مواجه شد و درخواست برای رسیدگی مجدد به طرح به شکل جدی توسط برخی نمایندگان مجلس کلید خورد.

#### یادداشت

### آیا اعطای تابعیت به مهاجران افغانستانی صحت دارد؟



احسان هوشمند

کمتر کشوری را می‌توان در تاریخ معاصر و در جغرافیایی سیاسی جهان یافت که در دوره‌ای طولانی و چند دهه‌ای پذیرای حجم میلیونی مهاجران خارجی باشد. از دهه ۷۰ مسیحی به مدت سه دهه تا چهار دهه صدها هزار مهاجر با رانده‌شده عراقی به‌ویژه کردهای عراقی در ایران مستقر بودند. همچنین از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ مسیحی یعنی در بیش از چهار دهه گذشته چند میلیون مهاجر افغانستانی به صورت مستمر به ایران وارد شده‌اند و در سال‌های اخیر بر حجم مهاجران افغانستانی در ایران افزوده شده است. بخش محدودی یعنی حدود یک میلیون نفر از مهاجران افغانستانی در ایران به صورت قانونی به نام مهاجر ثبت‌نام‌شده‌اند و مابقی مهاجران افغانستانی به صورت غیرقانونی در ایران مستقر هستند. معنی این سخن این است که نهادهای حقوقی بین‌المللی در برابر مهاجران غیرقانونی در ایران که شمارشان چند میلیون نفر است تعهد خاصی ندارند و به عنوان مهاجر ساکن در ایران خدمات ویژه و چشمگیری به آنها ارائه نمی‌دهند. حضور این دسته پرچم از میهمانان افغانستانی و عراقی در ایران، اگرچه هزینه‌های زیادی از نظر اقتصادی برای ملت ایران در پی داشت اما به اعتراض یا واکنش گسترده منفی ایرانیان منجر نشد و البته به تدوین سیاست مهاجرتی کشور هم نینجامید. هرچند در ماه‌های گذشته ابعاد تازه‌ای از نارضایتی اجتماعی دراین‌باره ظهور کرده است.

۱-کمتر کشوری را در جهان می‌توان یافت که مقصد مهاجرت‌های گسترده خارجی باشد و قوانین خاص برای پذیرش مهاجر و سیاست مهاجرتی نداشته باشد. چرا کشور در این دوره چند ده ساله همواره پذیرای مهاجران خارجی به صورت میلیونی بوده است، با وجود آنکه در سخت‌ترین شرایط اقتصادی به سر برده و شهروندان ایرانی شرایط دشواری را از نظر تورمی و بی‌کاری و معضل مسکن و مانند آن تجربه می‌کنند و کشور با مشکلات ساختاری بزرگ اقتصادی دست به گریبان است یا حتی در دوره جنگ تحمیلی هشت ساله نیز کشور با وجود مسائل پیچیده‌ای که با آن دست به گریبان بود باز با آغوش باز پذیرای مهاجران افغانستانی و عراقی بود، اما در برابر این موج بزرگ انسانی مهاجرت و پذیرایی از چند میلیون مهاجر متأسفانه تجارب ویژه کشور در این دوره طولانی و شرایط کشور دستمایه تدوین یک قانون جامع و کارشناسی‌شده برای تعریف سیاست‌های مهاجرتی کشور نشد! یعنی با وجود چنین تجارب گران‌سنگی که به قیمت فشار اقتصادی بیشتر بر کشور حاصل شده، هیچ دستوراد کارشناسی‌ای برای تدوین قانون لازم کسب نشده و حتی در تدوین قانون تأسیس سازمان ملی مهاجرت نیز استفاده از تجارب متفاوت برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان در تدوین آن بیش از استفاده از تجارب کشور مد نظر قرار گرفت!

ادامه در صفحه ۵

محسنی‌ازهای:

### اگر اصول پدافند غیرعامل لحاظ می‌شد، خسارت متروپل کمتر بود

رئیس قوه قضائیه گفت: در قضیه متروپل، چنانچه اصول ناظر بر پدافند غیرعامل به طور دقیق و کامل لحاظ می‌شد، قطعاً از ابعاد خسارت به‌بارآمده کاسته می‌شد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌ازهای طی سخنانی در مراسم بزرگداشت روز آتش‌نشان که در مجموعه ۱۲ هزار نفری آزادی و با حضور آتش‌نشانان...

صفحه ۳



### در «شرق» امروز می‌خوانید: بیانیه دیده‌بان شفافیت و عدالت درباره مصوبات کنکوری، نگاهی به عوامل بحران‌ساز در قره‌باغ، نگرانی‌ها از شروع آلودگی هوا در روزهای سرد سال و یادداشت‌هایی از حمید نظری، حمیدرضا اکبرپور، محمدهادی جعفرپور

اختلافات درون حزبی جمهوری خواهان باعث ناکامی طرح مک‌کارتی شد

## دولت فدرال در آستانه تعطیلی

تلاش برای نگه‌داشتن ۷ نفر از مدیران مجلس که برای انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند اما استعفا نداده‌اند

## یاران قالیباف در راه مجلس

در حاشیه‌رمان «پدران و پسران» ایوان تورگنیف با ترجمه فرانزه طاهری

## ظهور روشنفکر رام‌ناشدنی

نگاهی به وضعیت سخت معلم‌ها و استادان دانشگاه در آغاز سال تحصیلی

### مهری پر از بی‌مهری

۶ و ۸

#### نگه

### نظری به قره‌باغ در سومین سالروز جنگ دوم مهدی‌زارع

۱۲

#### یادداشت

### رأیی برخلاف قانون

#### فلسفه وجودی هیئت منصفه و حقوق متهم



عادل بابایی

وکیل پایه‌یک دادگستری

بعد از حصول اختلاف نظر بین شعب ۱۷ و ۲۶ دیوان عالی کشور مبنی بر لزوم‌داشتن یا نداشتن تبعیت دادگاه از نظر هیئت منصفه، قضات دیوان عالی کشور با اکثریت بسیار شکننده استدلال رأی شعبه ۲۶ را تأیید کردند. با نظر اکثریت قضات دیوان عالی کشور، دادگاه هیچ‌گونه الزامی بر متابعت از نظر هیئت منصفه در صدور رأی مجرمیت ندارد. شعبه هفدهم دیوان عالی کشور درباره امکان یا عدم امکان صدور رأی مجرمیت از سوی دادگاه، با وجود اینکه اکثر اعضای هیئت منصفه متهم را بی‌گناه شناخته‌اند، با توجه به مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۴۳ (الحاقی) ۱۳۷۹/۰۱/۳۰) قانون مطبوعات، صدور رأی مبنی بر مجرمیت از سوی دادگاه را در حالت مذکور ممکن ندانسته و به همین علت دادنامه فرجام خواسته را نقض کرده است؛ اما شعبه بیست‌وششم با ممکن‌دانستن صدور رأی مجرمیت، در حالت مذکور، دادنامه فرجام خواسته را ابرام کرده است. گفتنی است از مجموع ۱۲۲ نفر از قضات حاضر در جلسه هیئت عمومی، ۶۲ نفر رأی شعبه بیست‌وششم دیوان عالی کشور را منطبق با موازین شرعی و مقررات قانونی دانستند و ۵۹ نفر رأی صادره در شعبه هفدهم را تأیید کردند، همچنین یک نفر از قضات گزارش ارائه‌شده را قابل طرح ندانست. قطعاً این رأی مورد انتقاد بسیاری از حقوق‌دانان قرار خواهد گرفت؛ چراکه برخلاف مفهوم قانون و همچنین حقوق متهم و فلسفه هیئت منصفه است، به‌راستی اگر قرار باشد دادگاه هیچ لزومی بر تبعیت از نظر هیئت منصفه نداشته باشد، چرا اصلاً باید هیئت منصفه وجود داشته باشد؟ در واقع هیئت منصفه که ترکیبی از مردم است، نماینده وجدان عمومی است و با تصمیم خود اعلام می‌کند که آیا متهم از نظر جامعه گناهکار است یا بی‌گناه. به نظر این رأی برخلاف قانون نیز هست؛ چراکه ماده ۴۳ قانون مطبوعات مقرر کرده:

ماده ۴۳ قانون مطبوعات:

(الحاقی ۱۳۷۹/۰۱/۳۰)– پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضای هیئت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌کنند:

الف – متهم بزهکار است یا خیر؟

ب – در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۷۹/۰۱/۳۰)– پس از اعلام نظر هیئت منصفه دادگاه درباره مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم کرده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌کند.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۷۹/۰۱/۳۰)– درصورتی‌که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رأی بر برائت صادر کند.

ادامه در صفحه ۹

ادامه در صفحه ۹